

نقعه و نیازهای درمانی زوجه

محمدحسن صادقی مقدم^{۱*}، امین امیرحسینی^۲

چکیده

درباب مصادیق نفقه زوجه، در برخی موارد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین، برای نمونه در زمینه هزینه‌های درمان، در صورتی که میزان آن بسیار درخور توجه باشد، میان فقها اختلاف نظر است و نظر فقها در پاسخ به این سؤال که آیا هزینه‌های درمان زوجه جزء نفقه است یا نه و در صورتی که زوجه خود متمکن باشد، آیا بازهم امکان مطالبه هزینه‌ها را تحت نفقه دارد؟ آرای مختلفی از سوی فقها مطرح است. محاکم در این زمینه رویه واحدی ندارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که پرداخت هزینه‌های دارو و درمان نیز برعهده مرد است، زیرا دلایل این امر نظیر ضرورت معاشرت به معروف، اهمیت بیشتر هزینه‌های درمان از مواردی نظیر مسکن و پوشاک، و خوب نفقه درمان به فرینه، و خوب نفقه زوجه در دوران بیماری را روشن می‌کند. بنابراین، در صورت استنکاف، اعسار و عجز شوهر، زن می‌تواند براساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و در صورت اثبات عسر و حرج براساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی از دادگاه تقاضای طلاق کند؛ اما اگر زوجه خود توانایی پرداخت هزینه‌ها را دارد، به نظر می‌رسد امکان طرح دعوی طلاق از سوی وی را به دلیل عدم تحقق شرایط عسر و حرج باید غیرممکن دانست.

کلیدواژگان

اعسار، درمان، طلاق، معاشرت به معروف، نفقه.

پژشک‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

mhsadeghy@ut.ac.ir
amin181170@chmail.ir

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۳۰

مقدمه

با نگاهی اجمالی به تاریخ میراث قبل از اسلام و بررسی ادیان الهی [۳۴] و قوانین کشورهای اروپایی تا کمی قبل از یکصد سال اخیر [۱۳؛ ۲۷]، برای زن هیچ‌گونه استقلال مالی قائل نبوده‌اند [۴۱]. به‌علاوه، با توجه به اهمیت خانواده و نقش اساسی آن در تشکیل جوامع بشری و ضرورت توجه به استحکام خانواده، در مواجهه با مسائل آن تسامح و تساهل جایز نیست [۴۰]. در حقوق اسلام و ایران، زوجین در زندگی زناشویی، وظایف معینی به یکدیگر دارند [۴۳]. در اهمیت موضوع نفقه زوجه در نظام حقوقی اسلام، مردی را که به دنبال کسب گشایش در زندگی خانواده‌اش است مانند مجاهد فی سبیل‌الله می‌داند [۷] و روایات بسیار در این زمینه حاکی از آن است که نفقه، فارغ از مباحث فقهی و حقوقی، جنبه‌های معنوی و اخلاقی نیز دارد. بنابراین، در وهله اول این سؤال مطرح می‌شود که آیا هزینه‌های درمانی زوجه جزء نفقه محسوب می‌شود و زوج مکلف به تأدیه آن است؟ در صورت پاسخ مثبت به این پرسش، سؤال دیگر آن است در صورتی که زوجه به بیماری سختی مبتلا شود و هزینه‌های درمان بیماری وی از حد متعارف خارج باشد، آیا این هزینه‌ها نیز به‌منزله نفقه برعهده زوج خواهد بود؟ در صورتی که زوج نتواند این هزینه‌ها را پرداخت کند، آیا زوجه می‌تواند به استناد ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی و به دلیل استنکاف شوهر از پرداخت نفقه یا عجز وی از دادگاه تقاضای طلاق کند؟ به‌علاوه، در صورتی که پرداخت نفقه درمان زن را در شرایط عسر و حرج قرار دهد، به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و در صورت اثبات، قاضی می‌تواند حکم به طلاق صادر کند؟ در این مقاله، ابتدا دیدگاه‌های مطرح در قلمروی نفقه و مصادیق آن مورد بحث قرار می‌گیرد و در ادامه به بررسی دیدگاه‌ها با دیدی انتقادی پرداخته می‌شود و در ادامه با فحص و بررسی در آرای محاکم، نتیجه نهایی ارائه می‌شود.

دیدگاه‌هایی در زمینه قلمرو نفقه

در این بخش، با طرح دیدگاه فقهای امامیه و عامه، همچنین حقوق‌دانان در تفسیر مواد قانون مدنی ابتدا قلمرو نفقه مشخص و سپس شرایط خاص پرداخت نفقه درمان در مواردی که هزینه‌ها غیرقابل تحمل و خارج از توان زوج باشد بررسی می‌شود.

فقه امامیه

در ابتدا شایان ذکر است که در زمینه مقدار و اندازه نفقه نیز میان فقها اختلاف وجود دارد و ملاک واحدی در این زمینه یافت نمی‌شود. برخی نظیر قاضی ابن براج [۱]، ابن حمزه طوسی [۲۶]، شیخ طوسی در *المبسوط* [۲۰] و علامه حلی در *قواعد الاحکام* [۲۵] در تعیین غذا، قوت

متعارف مردم محل سکونت را مطرح کرده‌اند. در مواردی به‌جز غذا، معیار را زنان هم‌شأن وی در نظر گرفته‌اند. فقهای نظیر محقق حلی در *شرایع الاسلام* [۱۱]، شهید اول در *اللمعه* [۲۵]، آیت‌الله خویی [۳۳]، سید مصطفی خمینی در *مستند تحریر الوسیله* [۳۲] معیار را زنان هم‌شأن قرار داده‌اند؛ در مقابل، برخی فقها نظیر ابن براج [۱]، شیخ طوسی در *المبسوط* [۲۰] و ابن حمزه طوسی [۲۶] در موضوع تسری نفقه به سایر موارد، توانایی مرد را ملاک دانسته‌اند. دلایل این دسته عبارت است از اینکه از آنجا که در آیات و روایات، پوشاک و خوراک به زنان منسوب شده است [۳۶] و در روایات آمده است که آنچه زن‌ها به آن احتیاج دارند، لذا ملاک را باید احتیاجات متعارف زنان در نظر گرفت. البته این امر منوط به ملائت مرد است؛ وگرنه این حق زوج بر ذمه زوج باقی می‌ماند تا ملائت پیدا کند. آیه «سیجعل الله بعد عسر یسراً» گواهی بر این مدعاست [۳۶].

در مقابل، صاحب جواهر پس از نقل نظر مخالفان به تبیین آرای خود پرداخته و با استناد به آیه مزبور، از لفظ معروف برداشت می‌کند که در آیه مورد نظر به وضعیت مالی مرد در نفقه تأکید شده است. بنابراین، وسعت مالی مرد تعیین‌کننده است [۳۶]. لذا در جمع‌بندی کلی باید اذعان داشت: در زمینه مقدار و اندازه نفقه میان فقها سه دیدگاه عمده وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) آنچه در جامعه متعارف است؛

ب) مقداری که با منزلت و شأن زوج هم‌هنگی دارد؛

ج) میزانی که با وضعیت تمکن مالی مرد تناسب دارد.

در مورد هزینه‌های معالجه زوج، فقهای امامیه تردید کرده و لذا دسته‌ای از آن‌ها اصلاً متعرض این مسئله نشده‌اند و برخی به نحو کلی آن را جزء هزینه‌های نفقه محسوب کرده‌اند. دسته سوم هزینه‌های امراض عادی را جزء نفقه دانسته‌اند؛ ولی هزینه‌های امراض صعب‌العلاج را، که مستلزم هزینه‌های سنگین است، مورد تردید قرار داده‌اند. در نهایت، دسته آخر به‌طور مطلق امر را به عرف واگذار کرده‌اند. لذا در ادامه، در ابتدا نظر مخالفان گسترش نفقه، مورد بحث قرار می‌گیرد.

مخالفان گسترش نفقه زوج به هزینه‌های درمان بیماری‌های صعب‌العلاج

مشهور فقها معتقدند که دارو و هزینه‌های درمان برعهده شوهر نیست و خارج از نفقه است [۳۶]. برخی آن را در موارد خاصی منحصر می‌دانند که در کتب فقهی به آن تصریح شده است؛ تا آنجا که هزینه‌های زایمان و معالجات ضروری را جزء نفقه ندانسته‌اند [۱۴].

بنابراین، به نظر این دسته از فقها، مواردی از قبیل اجرت حمام تحت عنوان نفقه نمی‌گنجد [۲۲]، زیرا در آن زمان رفتن به حمام‌های بیرون از خانه مستلزم رفت‌وآمد و صرف هزینه‌های غیرمتعارف بود [۳۹].

اما برخی فقهای معاصر نیز در بیان هزینه‌ها و موارد و مصادیق نفقه هزینه حمام را جزء نفقه دانسته و آن را مشمول عنوان نفقه زوجه می‌دارند و بر زوج تکلیف می‌نمایند و بیان می‌دارند که اگر به علت عذر یا سرما زوجه نمی‌تواند در خانه حمام کند، اجرت و هزینه‌های حمام از مصادیق نفقه است [۲۹].

در این زمینه، امام خمینی (ره) بیان می‌دارد:

از نظر شرعی، نفقه مقدار خاصی ندارد، بلکه ملاک برآورده کردن کلیه مایحتاج زن است از قبیل خوراک، پوشاک، فرش، پتو، مسکن، خادم، وسایلی برای نوشیدن و خوردن و نظافت و غیر آن است [۲۹].

ایشان در ادامه بیان می‌دارند: داروهای متعارفی که مورد نیاز است و کمتر شخصی از آن‌ها بی‌نیاز است، جزء نفقه محسوب می‌شود، ولی ظاهر آن است که هزینه‌های درمان امراض سخت، که به ندرت اتفاق می‌افتد، جزء نفقه نیست، به خصوص اگر برای هزینه معالجه این امراض شوهر مجبور به خرج کردن مال زیادی باشد. و در ادامه می‌فرمایند همچنین است داروهایی که متعارف است و به سبب بیماری‌ها و دردهایی که معمولاً برای هر شخصی رخ می‌دهد، خیلی زیاد به آن‌ها نیاز است، ولی ظاهر آن است که دارویی که در معالجه امراض صعب‌العلاج مصرف می‌شود و به ندرت احتیاج به آن‌ها پیدا می‌کند، به خصوص اگر به صرف مال زیادی محتاج باشد، جزء نفقه نیست.

آیا در مقابل اجرت گرفتن خون و حجامت در وقت نیاز به آن‌ها که جزء نفقه هست یا خیر در آن تأمل و اشکال کرده‌اند؟ [۳۰] به عقیده شیخ طوسی، در هنگام بیماری زوجه، هزینه دارو و درمان بر زوج واجب نیست. ایشان در نظر خود تصریح کرده‌اند که: «اجرت طبیب و حجامت و هزینه درمان برعهده مرد نیست» [۱۸]. اما وی در همین کتاب اندکی پیش از این حکم داده است که اگر عرف، خادم گرفتن برای زوجه بیمار را ضروری تشخیص دهد، بر مرد واجب است که برای همسر بیمارش خادم بگیرد، ولو اینکه به حکم عرف، خادم گرفتن برای زوجه در زمان صحت واجب نباشد [۱۸].

در نقد این دیدگاه، باید اذعان داشت که چرا استخدام خادم برای زوجه بیمار بر مرد واجب است، اما هزینه‌های درمان واجب نیست؟ به نظر می‌رسد پرداخت هزینه‌های درمان زن مهم‌تر از خادم گرفتن است و وقتی خادم گرفتن را برخی از فقها به صراحت واجب دانسته‌اند، به طریق اولی هزینه‌های درمان باید واجب باشد [۱۱؛ ۴۶].

البته سؤال دیگری که مطرح می‌شود آن است که در صورتی که زن دچار بیماری صعب‌العلاج شود، در حالی که بیماری مزبور از موارد فسخ نکاح هم نباشد، آیا وظیفه مرد در این شرایط این است که زوجه را در زوجیت خود نگه دارد و هزینه‌های درمان وی را هر اندازه که باشد، پرداخت کند؟ در پاسخ به این پرسش باید اذعان داشت که لازمه معاشرت به معروف این است که در حد توان خود و در صورتی که ملائت کافی را داشته باشد، هزینه‌های درمان زوجه را

تأمین کند و زوجه را در زوجیت خود نگه دارد. بدین معنا که در صورتی که زوج توانایی مالی داشته باشد، می‌بایست هزینه‌های زوجه را متقبل شود و اگر به عسر و حرج دچار شود، به زیان زن نیز خواهد بود و ناتوانی مرد در تأدیه هزینه‌های درمان زوجه چه بسا موجب تشدید بیماری وی نیز شود. بر همین اساس، زوجه در فرض مزبور در صورتی که در زوجیت همسر خود باقی بماند، راهی برای تأمین هزینه‌های وی باقی نخواهد ماند. اما اگر طلاق بگیرد، امکان تأمین هزینه‌های وی از طرق دیگر نظیر نکاح با فردی که ملائت لازم را دارد، تسهیل می‌شود.

موافقان گسترش نفقه به هزینه‌های درمان بیماری‌های صعب‌العلاج

دسته دیگری از فقها نفقه زوجه را فراتر از حداقل ذکر شده در نظر سابق می‌دانند و قبول نظر نخست را برخلاف عرف جامعه و مصلحت خانواده می‌دانند و با عقل نیز سازگار نمی‌دانند [۱۰]. به علاوه، در این خصوص می‌توان گفت که همه آیات^۱ مربوط به انفاق و جوب نفقه را به نحو مطلق به عرف ارجاع داده است و روایات^۲ مربوطه هم به امور متعارف اشاره می‌کند. از این رو، آنچه عرف آن را به منزله نفقه و هزینه زندگی بشناسد، پرداخت آن بر شوهر واجب است [۲؛ ۳۵]. بر همین اساس، فقها در اعصار مختلف و مکان‌های متفاوت آرای متعددی را بیان کرده‌اند [۱۰؛ ۲۸] و برخی نظیر علامه در تحریر الاحکام شش مصداق را بیان کرده است [۱۰]. البته برخی از فقهای امامیه، از جمله شیخ محمدحسن نجفی و شهید ثانی، معتقدند که هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زوجه باشد، جزء نفقه بوده و تهیه آن‌ها بر عهده شوهر است [۴؛ ۳۶].

صاحب‌جوهر در ابتدا به نقد رأیی که بر اساس آن نفقه را منحصرأ به موارد معینی محدود کرده‌اند و به‌طور خاص، هزینه‌هایی نظیر دارو، عطر، سرمه، استحمام را استثنا کرده‌اند، پرداخته و در ادامه، رجوع به عرف را برای تعیین محتوای نفقه ملاک اصلی می‌داند و بر آن تأکید می‌کند. بنابراین، بیان می‌دارد چون مبنای نفقه احتیاج زوجه است، محصور دانستن نفقه زوجه به موارد خاص و استثناکردن مواردی نظیر عطر و هزینه‌های حمام و... وجاهت و دلیل شرعی و عقلی ندارد. به علاوه، وی به شمارش این نیازها می‌پردازد و مواردی نظیر وسایل آرایش و زیورآلات را نیز جزء نفقه دانسته است [۳۶].

۱. در این مورد، برای نمونه می‌توان به قسمتی از آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء اشاره کرد که می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف».

۲. از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمودند: ای مردم، همانا زنان نزد شما امانت‌اند. پس امانت الهی را بگیرید و آن‌ها را با نام خدا بر خود حلال کنید و شما را بر ایشان حقی است که با غیر شما نزدیکی نکنند و در اعمال نیکو از شما نافرمانی نکنند و چون چنین کنند، بر شماست که روزی و لباس شایسته و درخور آنان برایشان مهیا کنید و به شایستگی با آنان معاشرت نمایید [۱۷].

ایشان در ادامه بیان می‌دارد:

مسلم است که بیان فقها در مصادیق نفقه، دارای تشویش و تشتت است و بهتر آن است که همه این موارد را عرف تعیین می‌نمود و به عرف و عادت ارجاع می‌شد؛ یعنی عرف و عادت ملاک اصلی است. آنچه از ظواهر برمی‌آید آن است که آن‌ها از برخی از کتب اهل سنت تبعیت نموده‌اند که قضات دادگاه‌ها در مقام قضاوت به آن می‌پرداختند، زیرا بدیهی است که اگر ملاک در نفقه زوجه تمامی مایحتاج زوجه باشد، لذا استثنا کردن دارو و عطر و سرمه و مواردی از این دست وجهی ندارد، لذا اگر ملاک زندگی متعارف باشد، نفقه هم به نحو مطلق وارد شده است؛ در نتیجه، باید قائل به وجوب همه این‌ها شد. حتی در غیر این موارد قابل حصر نیست. پس نظر صحیح آن است که همه این موارد با در نظر گرفتن حال زن و زمان، مکان و غیره به عرف و عادت ارجاع می‌گردد که مردان به زنان نشان انفاق می‌کنند و فرقی هم بین موارد مذکور و غیر مذکور در آیات و روایات نیست [۳۶].

وی، همچنین با طرح ضابطه کلی، موارد استثناسده در کلام فقها را نپذیرفته و می‌گوید اگر ملاک و دلیل در مقدار نفقه معاشرت به نحو پسندیده و معروف و اطلاق آیه (عاشروهن بالمعروف)^۱ دلیل انفاق باشد، همه موارد واجب می‌شود. بلکه به چیزهای خاصی هم محدود و

۱. و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا): (و با زنان به‌طور شایسته معاشرت کنید، پس اگر از آن‌ها بدتان می‌آید، باید بدانید که چه‌بسا شما از چیزی بدتان بیاید، اما خدا در آن خیر بسیار نهاده باشد) (معروف) یعنی هر امری که مردم در جامعه خود آن را بشناسند و مسلماً در جامعه اسلامی باید آنچه خیر است معروف باشد؛ و معاشرتی که متعارف است این است که یک فرد جزئی باشد، مقوم جامعه، یعنی در شکل جامعه دخیل باشد و هر شخص کاری را که در وسع اوست و جامعه نیازمند آن است انجام دهد و با دیگران تعاون و همکاری داشته باشد و از محصول کارش آنچه مورد نیاز خودش است بردارد و باقی را در اختیار سایر افراد جامعه قرار دهد و در مقابل از مازاد محصول دیگران آنچه لازم دارد بگیرد. این معاشرت معروف در جامعه است و مرد وزن هر دو اجزای جامعه بشری هستند و اجتماع به هر دوی آن‌ها نیاز دارد، پس آن‌ها از نظر اثر و ارزش یکسان‌اند. اگرچه در شئون طبیعی و اجتماعی (از قبیل قوه و ضعف و علم و جهل و زیرکی و نادانی و ریاست و مرئوسیت و برتری و پستی) باهم متفاوت‌اند و این تفاوت‌ها مختص به زن و مرد نیست، بلکه در کلیه افراد اجتماع جریان دارد، لذا حکمی که از مذاق اجتماع سالم و فطری متبعث می‌شود آن است که هرکس در عین استقلال به دیگران ستم نکند و حد و حدود خود و دیگران را بشناسد و این یعنی معاشرت نیکو و معروف؛ و می‌فرماید: اگر از زنانتان کراهت هم داشتید، باز هم معاشرت معروف را با آن‌ها داشته باشید و آن را ترک نکنید. در این عبارت، یک امر مسلم و معلوم را به صورت مشکوک و محتمل اظهار نموده تا از برافروخته شدن آتش تعصب در مخاطب جلوگیری نموده و آن را تحریک نکند. در تفاسیر وارد شده است که در جاهلیت هر وقت شخصی فوت می‌کرد و همسری داشت، هرکس جامعه‌ای بر سر او می‌انداخت، می‌توانست او را بدون هیچ مهریه‌ای به همسری خود بگیرد و درواقع او را به ارث می‌بردند. پس زمانی که ابوقیس ابن سلت فوت کرد، محسن پسر ابوقیس لباس خود را بر سر همسر پدرش انداخت و او کبیته دختر معسرن معبد بود. پس او را به ارث به نکاح گرفت و او را به حال خود گذاشت و نه با او نزدیکی می‌نمود و نه نفقه او را می‌داد. پس آن زن نزد پیامبر (ص) آمد و شکایت نمود که چون شوهرم مرد، پسرش مرا به زنی گرفت، اما نه با من درمی‌آمیزد و نه نفقه مرا می‌دهد و نه مرا آزاد می‌گذارد تا شوهر کنم یا به خانواده خود ملحق شوم. پیامبر (ص) فرمودند، برگرد به خانه‌ات، چون

محصور نیست. پس باید اذعان داشت که موارد نفقه با شأن همسری و انفاق شوهران به زنانشان مربوط است و به‌طور معمول صورت می‌گیرد، نه به‌شدت دوست‌داشتن همسر و اموری از این قبیل [۴۷]. البته نکته درخور توجه آن است که این امر با مراعات شأن زن و زمان و مکان و مانند آن صورت می‌پذیرد و در صورت اختلاف و نزاع آنچه حاکم شرع برای رفع خصومت تعیین کند، پذیرفته خواهد شد. والا برای آنچه از فقهای پیشین شیعه شنیده‌ایم، نه اثباتاً و نه نفیاً، دلیل خاصی که بتوان به آن اعتنا کرد، وجود ندارد [۳۶].

در عبارات فقها، به‌صراحت به هزینه‌ها و مخارجی غیر از هزینه‌های عادی و معمول زن اشاره نشده است، اما از عبارات مرحوم صاحب‌جوهر چند نکته برداشت می‌شود:

۱. مصادیق نفقه با رجوع به عرف معین می‌گردد؛
۲. جمیع نیازهای زن مطابق با شأن او جزء مصادیق نفقه واجب است؛
۳. اگر مصادیق نفقه جمیع مایحتاج زن باشد، استثنای هزینه درمان و هزینه‌های مطابق با شئون و نیازهای زن وجهی ندارد.

با توجه به عبارات صاحب‌جوهر می‌توان مسئله رعایت زن و شئون وی را نیز ملاحظه کرد. حتی اگر شئون زن به لحاظ موقعیت زمان تغییر کرده باشد، زیرا زمان و مکان در موقعیت اجتماعی و حال زن تأثیر دارد؛ مثلاً، زنان در زمان حال نیازهای علمی جدیدی پیدا کرده‌اند مثل تحصیل و... با توجه به عبارت زمان و مکان در کلام صاحب‌جوهر مواردی را که امروزه مورد نیاز زوجه است باید از مصادیق نفقه دانست، زیرا تعیین مصداق نفقه به عرف واگذار شده است و امروزه در بسیاری از نقاط جهان عرف حکم می‌کند که پیشرفت علمی یکی از حقوق و نیازهای ضروری زن است و اگر زنی تمایل به پیشرفت علمی و تحصیلی داشته باشد و این درخواست او از سوی عرف تأیید شود، تأمین هزینه‌ها بر زوج واجب می‌شود.

البته باید دانست که اگر زنی بخواهد به صورت آزاد به تحصیل بپردازد و هزینه تحصیل وی زیاد باشد، آیا مرد باید پرداخت کند و اگر مرد آن را تأدیه ننماید، حق تقاضای طلاق با استناد به عدم پرداخت نفقه از سوی زوجه را خواهد داشت؟
در پاسخ، باید گفت حتی اگر نیازهای زن با شرایط زمان و مکان متفاوت متناسب باشد، تأمین نیازهای او نیز از مصادیق نفقه محسوب می‌شود؛ مثلاً زنی که در اوایل ازدواج به دلایل مختلف نتوانسته تحصیل کند، ولی پس از فراغت از بچه‌داری و... به تحصیل مشغول شده است

خدا در این باره آیه‌ای به من نازل نمود که آن را به تو تعلیم خواهم داد و از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمودند: ای مردم، همانا زنان در نزد شما امانت هستند، پس امانت الهی را بپذیرید و آن‌ها را با نام خدا بر خود حلال کنید و شما را بر ایشان حقی است که با غیر شما نزدیکی نکنند و در اعمال نیکو از شما نافرمانی نکنند و چون چنین کنند، بر شماست که روزی و لباس شایسته و درخور آنان برایشان مهیا کنید و به شایستگی با آنان معاشرت نمایید [۱۷].

و اکنون به مصادیق دیگری از نفقه از قبیل هزینه‌های تحصیل و هزینه شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیاز دارد، این موارد را می‌توان جزء نفقه واجب دانست و از عبارت «غیر ذلک» در بیان امام خمینی (ره) چنین مفهومی برداشت می‌شود [۳۰].

به نظر می‌رسد تحمیل هزینه‌های گزاف و غیرمتعارف تحصیل، به‌خصوص زمانی که شوهر قادر به تأمین چنین هزینه‌ای نباشد، معقول نبوده و صدور طلاق به این دلیل برابر اصول نیست. البته شایان ذکر است اگر هزینه‌های تحصیل زوج متعارف باشد، می‌توان مرد را در صورت ملائت و تمکن به پرداخت هزینه‌های ملزم کرد؛ ولی اگر هزینه مزبور به نحو متعارف نباشد، نمی‌توان مرد را به تأدیه مخارج زوج ملزم کرد.

با توجه به اختلاف برداشت‌ها، باید اذعان داشت که از نظر صاحب‌جوهر اگر ملاک تعیین مصادیق نفقه، نیاز زن باشد، استثناکردن دوا و سرمه و... درست نیست و براساس برداشت دیگر، اگر مصادیق نفقه را فقط لباس و خوراک و مسکن بدانیم، واجب‌دانستن خادم و فراش جایگاهی ندارد. وی بهترین راه را ملاک قرار دادن عرف می‌داند؛ یعنی از آنجا که قرآن کریم می‌فرماید «و عاشروهن بالمعروف» هرچه مصداق معاشرت به معروف باشد، فراهم کردن آن بر مرد واجب است. بنابراین، نمی‌توان برای نفقه مصادیقی را به‌طور حصری بیان کرد. با توجه به زمان و مکان و شأن زن، مصادیق نفقه متفاوت است. آنچه در کتب مشهور فقها یافت می‌شود، رجوع به عرف در تعیین مصادیق نفقه است و به همین دلیل حضرت امام خمینی (ره) وقتی در مورد مقدار و مصادیق نفقه فتوا می‌دهد، در پایان حکم، قید «غیر ذلک» را بیان می‌نماید که بر این اساس، قید مزبور، این مفهوم را می‌رساند که امور ذکرشده که در مورد نفقه ذکر شد، درواقع از باب تمثیل است نه اینکه موارد نفقه فقط در همین‌ها محصور باشد [۱۲].

البته باید توجه داشت که در نظر عرف باید نیاز، از نیازهای متعارف زوج باشد و اگر عرف اقتضا ننماید، نمی‌توان زوج را مکلف به تهیه آن‌ها کرد [۲۰]. لذا اگر زوجه‌ای از خانواده‌ای متمکن باشد، شوهر مکلف است نفقه زوجه خود را با توجه به شأن و وضع اجتماعی و خانوادگی وی تأمین کند که تقریباً در این زمینه از قول مشهور فقهای امامیه اقتباس شده است. ولی از نظر عده‌ای از فقهای امامیه، از جمله شیخ طوسی، حال و وضعیت شوهر، ملاک و معیار برای تعیین میزان نفقه زوج است [۱۹].

برخی از فقها حتی نیاز به دارو و پزشک را مهم‌تر از نیاز به لباس و مسکن و خادم و لوازم آرایش می‌دانند و از وجوب این موارد بر ذمه مرد نتیجه می‌گیرند که نفقه درمان به طریق اولی باید واجب باشد. بر همین اساس، بیان می‌دارند: «ملاک اصلی در تعیین نفقه عرف است و شکی نیست که هرچه زن به آن نیازمند است، از منظر عرف، نفقه به حساب می‌آید و نیاز به دارو و پزشک لازم‌تر و مهم‌تر از نیاز به طعام و لباس و خادم و... است و وقتی این‌ها واجب باشد، به طریق اولی هزینه‌های پزشکی و دارو هم باید واجب باشد» [۲۸].

در این حالت، مرد می‌تواند از باب عمل به اخلاق و وجدان هزینه درمان زن را برعهده گیرد. پس می‌توان گفت که عرف تعیین‌کننده میزان نفقه است، زیرا هرگاه در شرع واژه‌ای تعریف نشده باشد و حقیقت شرعی هم برای آن وجود نداشته باشد، تعریف آن واژه به عرف واگذار می‌شود. بنابراین، شرع در تعیین محدوده نفقه به عرف تکیه کرده است و هرچه مردم در نفقه لازم می‌دانند، جزء نفقه به حساب می‌آید. اگر هم در برخی از روایات حدودی ذکر شده است، منظور بیان چیزی است که در بین مردم آن زمان معمول بوده است [۲۷]. البته در فقه شیعه در کنار این نگاه که عرف را ملاک قرار می‌دهد، برخی نیز هزینه‌های درمان زوجه را به صراحت واجب دانسته‌اند و میزان و کیفیت آن را به عرف محدود نکرده‌اند. بر همین مبنا، بیان می‌دارند:

نفقة زن بر همسرش واجب است و آن عبارت است از غذا، لباس، مسکن، فرش، پتو، وسایل نظافت و سایر وسایلی که زن به آن‌ها نیاز دارد به حسب حالش، دوا و اجرت طبیب هم از این قبیل است [۱۶].

آیت‌الله خویی هم بیان می‌دارند:

ظاهر این است که نفقه واجب بر زوج، اجرت حمام در زمان نیاز به تنظیف زن است... و اجرت طبیب هم هنگام نیاز زن واجب است [۳۳].

به‌علاوه، آیت‌الله حکیم در این باب بیان می‌دارد بنابر دلیل قوی‌تر دوا و اجرت پزشک و هزینه‌های مربوط به زایمان از موضوعات نفقه محسوب می‌شود [۱۶]. آیت‌الله خویی نیز این هزینه‌ها را از مصادیق نفقه می‌داند و بیان می‌دارند که بعید نیست هزینه‌هایی که برای مداوای امراض سخت، که به ندرت اتفاق می‌افتد، از موضوعات نفقه محسوب شود، اگرچه این هزینه‌ها سنگین باشد، مشروط بر اینکه موجب عسر و حرج نشود [۳۳].

قانون مدنی

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، که در سال ۱۳۸۱ اصلاح شده است، علاوه بر ذکر موارد سابق هزینه‌های دارویی، درمانی و بهداشتی را مورد توجه قرار داده و با ذکر عبارت «از قبیل» به نحو ضمنی موارد مزبور را تمثیلی دانسته است. با توجه به ماده اصلاحی جدید ملاحظه می‌شود که معیار استحقاق زوجه دائمی در زمینه نفقه، نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن است و وضعیت شوهر در این معیار نقشی ندارد [۴۸]. بنابراین، این حکم کمتر در محاکم مورد رأی قرار می‌گیرد و بیشتر نیازهای حیاتی زوجه مطرح می‌شود و مورد حکم طلاق قرار می‌گیرد [۴۵]. یکی دیگر از حقوق دانان نیز در این زمینه معتقد است:

هرچند در ماده ۱۱۰۷ ملاک تعیین نفقه تنها وضع زن قرار داده شده است، ولی به نظر می‌رسد که موقعیت و وضع مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد، زیرا زن و شوهر پس از نکاح

یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند. لذا اگر مرد ثروتمندی با زن فقیری ازدواج نمود، نمی‌تواند وضع سابق وی را ملاک قرار دهد و باید متناسب با وضعیت فعلی وی به او نفقه دهد و لذا از مفاد ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده نیز می‌توان لزوم توجه به وضع مالی طرفین را استنباط نمود [۲۳].

حقوق‌دانان معتقدند که موارد مذکور در ماده ۱۱۰۷ نیز جنبه حصری ندارد و لذا هزینه‌های دارو و درمان و بسیاری از موارد دیگر جزء لوازم متعارف بوده و بر شوهر است که آن‌ها را پرداخت کند [۳]. برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز در باب هزینه‌های درمان آن را جزء نفقه دانسته‌اند [۱۵].

برخی از حقوق‌دانان در این زمینه قائل به تفکیک‌اند و بر همین اساس بیان می‌دارند در صورتی که هزینه‌های زوجه ناظر به امور حیاتی وی باشد، هزینه‌ها برعهده شوهر است و در همین خصوص در صورتی که برای درمان نیازمند سفری هم باشد، هزینه‌های سفر زوجه برعهده زوج است. ولی در سایر موارد ضرورتی ندارد که مرد را به پرداخت هزینه‌ها ملزم کنیم [۲۴]. از این نظر، می‌توان بر ضرورت پرداخت هزینه‌های تحصیل زوجه نیز در چارچوب عرف و با ملاحظه وضعیت مالی مرد حکم کرد.

جمع‌بندی، نقد و بررسی ادله و دیدگاه‌ها

از بین آرا و نظریات فقهای شیعه، به سه نظر می‌توان اشاره کرد:

۱. نفقه واجب زن فقط شامل مصادیق ذکر شده از قبیل غذا، مسکن، لباس است که قول شیخ طوسی است [۱۸]؛
۲. تعیین مصادیق نفقه زوجه با رجوع به عرف تعیین می‌شود که از کلام صاحب‌جواهر قابل استنتاج است [۳۶]؛
۳. مصادیق نفقه زن حتی دارو و هزینه‌های درمان را نیز شامل می‌شود که نظر آیت‌الله خویی است و از عبارت امام خمینی (ره) از عبارت «غیر ذلک» می‌توان برداشت کرد که موارد مذکور از باب تمثیل است نه انحصار [۲۹].

در مورد وجوب نفقه درمان زن، به‌طور تقریبی قول مشهور فقهای اهل سنت بر عدم وجوب آن در مقابل قول اکثر فقهای امامیه به وجوب آن است؛ اما همان‌گونه که برداشت می‌شود، در میان فقهای اهل سنت بر این امر اجماعی وجود ندارد و اختلافات بسیاری میان فقها وجود دارد. ملاحظه می‌شود که هزینه‌های دارو و درمان مورد اختلاف فقهای اسلامی در باب نفقه است. در نقد نظر فقهایی که درمان را جزء نفقه نمی‌دانند می‌توان پرسید: آیا نفقه درمان زن مصداق واژه «معروف»^۱ نیست که در قرآن مجید به آن امر شده است؟ این نکته زمانی اهمیت

۱. «وعاشروهن بالمعروف» نساء/۱۹.

می‌یابد که فقهای اهل سنت در مورد رجوع به شرایط و احوال مرد برای تعیین مقدار نفقه زن به واژه «معروف» در آیات قرآن، که به معاشرت با زنان مربوط است، استناد می‌کنند [۹].

بنابراین، برخی مفسران در بیان آیه ۱۹ از سوره نساء سؤالاتی را مطرح می‌کنند که اگر قرآن کریم دستور داده است که با زنان در حقوق مادی و غیرمادی ایشان به معروف عمل کنید [۹]، آیا عرف مردی را که از پرداخت هزینه‌های درمان همسرش خودداری کند سرزنش نمی‌کند؟ آیا ترک کردن زن بیمار و خودداری از درمان او از مصادیق احسان و معروف است؟ درحالی که احکام اسلامی در پی تحکیم نظام خانواده است، آیا خودداری از درمان زن با اصل مسلم تحکیم نظام خانواده در اسلام منافات ندارد؟ وقتی که فلسفه وجوب نفقه حفظ حیات زوجه و آسایش وی است، آیا نیاز زوجه به درمان ضروری‌تر از نیاز او به خادم و آلات تنظیف نیست؟ مگر نه اینکه بسیاری از فقها در صورت بیمار بودن زن معتقدند که مرد باید برای وی خادم بگیرد؟ زیرا موجب راحتی و آسایش زوجه می‌شود. آیا درمان زن بیشتر موجب آسایش او می‌شود یا خادم گرفتن برای انجام امور منزل؟ [۹].

به‌طور قطع، وجوب نفقه موجب حفظ آرامش زوجه است و تأمین آرامش و امنیت زوجه در شرایط مختلف، متفاوت است. به همین دلیل، بسیاری از فقهای شیعه، مانند صاحب جواهر و امام خمینی (ره) موارد نفقه را منحصر نمی‌کنند و معتقدند که در هر مرحله‌ای از زندگی و هر موقعیتی که زوجه در آن باشد، باید عرف و عادات مردم جامعه را ملاک قرار داد و نیز در صورتی که عرف به لزوم پرداخت هزینه‌ها حکم کند، مرد هم براساس احکام شرعی موظف است نفقه زن را بپردازد، زیرا به حکم عرف، پرداخت هزینه درمان زن در بسیاری از موارد از مصادیق معاشرت به معروف است که خداوند مردان را به آن امر کرده است. این امر موجب تحکیم خانواده و تأمین یکی از اغراض مهم شارع، یعنی حفظ نهاد خانواده، می‌شود. رعایت نکردن معاشرت به معروف در پرداخت نفقه از سوی زوج، در صورتی که موجب ضرر رساندن به زوجه یا اعسار وی شود، به وی حق را خواهد داد که به موجب عسر و حرج از حاکم تقاضای طلاق کند.

به‌علاوه، درنهایت باید پرسید اگر مخارج معالجه زوجه را جزء نفقه ندانیم، معالجه وی برعهده کیست؟ مگر به حکم آیه ۱۹ سوره نساء شوهر امر به نیکی به زنان نشده است؟ آیا لازمه احسان در حق زن این است که وی، در حالت مرض، رها شود؟

پرداخت مخارج معالجه زن از طرف شوهر دلیل علاقه مرد به سلامت اوست و همین امر موجب مودت و محبت بیشتری بین آنهاست و عکس آن یأس و ناامیدی را در زن ایجاد خواهد کرد. پس اگر فلسفه نفقه ابقای حیات زناشویی است، نیاز زن به معالجه مهم‌تر از نیاز زن به مسکن و پوشاک است. باید اذعان داشت، درحالی که برخی فقها وجوب تهیه مواد تخریری را در صورت عادت داشتن زن خالی از وجه ندانسته‌اند و تهیه این امور را از مصادیق

حسن معاشرت فرض کرده‌اند [۳۶]، چگونه می‌توان تهیه دارو و وسیله معالجه مرض را، که اصل حیات زن را در مخاطره قرار داده است، نادیده گرفت؟

اگرچه در عصر حاضر با توجه به اختیار و التزام دولت‌ها در تدارک بهداشت عمومی و نیز مسئولیت دولت در قبال تأمین بخشی از هزینه‌های درمانی و ایجاد بیمه‌های درمانی همگانی، مسئله معالجه تا حدودی تفاوت کرده است. به علاوه، باید توجه داشت به موازات این امر، مسئله پیچیده و متنوع شدن بیماری‌ها و درمان آن‌ها و درمان‌پذیر شدن امراض سنگین، اتفاقاً بر هزینه‌های درمانی و اهمیت این امر افزوده است؛ لیکن، به هر حال، مسئولیت تأمین هزینه درمانی زوجه به قوت خود باقی است و باید با صراحت بیشتری در قوانین بیاید و مورد توجه محاکم قرار گیرد.

بر همین اساس در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی، که از فتاوی مشهور فقهای امامیه تبعیت کرده است، بیان شده:

در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌کند همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

با توجه به مباحث صورت گرفته، به نظر می‌رسد از دیدگاه قانون مدنی هزینه‌های درمان واجب دانسته شده است و پرداخت هزینه‌های دارو و درمان حتی در بیماری‌های صعب‌العلاج در عرف قابل پذیرش است و در صورت عدم پرداخت آن از سوی زوج می‌توان برای زوجه قائل به حق طلاق بود.

با بررسی برخی از آرای محاکم در خصوص پرداخت هزینه‌های درمان و از جمله رأی صادره از یکی از محاکم عمومی قم مبنی بر پرداخت هزینه‌های درمان بیماری هپاتیت و پرداخت نفقه معوقه و تعیین نفقه جاریه و هزینه‌های دادرسی، در نهایت، دادگاه ادعای خواهان را ثابت دانسته و خواننده را به استناد مواد ۱۱۰۲، ۱۱۰۷، و ۱۱۱۱ قانون مدنی به پرداخت نفقه معوقه و هزینه دادرسی و تهیه مسکن مستقل در حق خواهان محکوم می‌کند. اگرچه پرداخت نفقه جاریه زوجه و فرزندان مورد حکم قرار گرفته است، در حکم، به روشنی در مورد هزینه‌های درمان حکمی صادر نشده است؛ مگر اینکه بخشی از نفقه معوقه به هزینه‌های درمان مرتبط باشد.

در دادنامه دیگری، هزینه‌های درمان زوجه به استناد اسناد پزشکی مبنی بر اینکه زوجه به سرطان مورد حکم قرار گرفته است، دادنامه شماره ۱۲۷۹-۲۷ صادره از محاکم عمومی حقوقی ابهر با پذیرش ادعای خواهان به استناد مواد صدرالاشعار از قانون مدنی خواننده را محکوم به پرداخت هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل و هزینه کارشناسی در حق خواهان صادر کرده است. انتظار می‌رود محاکم با اتخاذ رویه واحد، به روشنی در مورد هزینه‌های دارو و درمان، به ویژه در بیماری‌های صعب‌العلاج، حکم صادر و با اعمال این رویه در همه محاکم اسباب قوام خانواده‌ها را فراهم کنند.

نتیجه

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، معلوم است که در زمینه قابل مطالبه بودن هزینه‌های درمان به‌عنوان نفقه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و در محاکم نیز آرای متناقضی یافت می‌شود. نتایج این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. در پرداخت نفقه زوجه ملاک، معاشرت به معروف با زوجه است. این امر مستلزم تأمین هزینه‌های دارو و درمان از سوی شوهر است؛
۲. با توجه به اینکه فقها هزینه‌های خوراک و پوشاک و مسکن زوجه را به نحو اجماعی ضروری و از نیازهای عمده و اولیة حیاتی زوجه می‌دانند، درباره پرداخت هزینه‌های درمان، که از این موارد مهم‌تر است، به‌طریق اولی باید حکم کنند؛
۳. وجوب نفقه زوجه بیمار در زمان بیماری نیز ادامه دارد و لذا وجوب نفقه زوجه بیمار قرینه‌ای است بر اینکه حفظ سلامت و حیات زوجه ضروری است و این امر نیازمند پرداخت هزینه‌های درمان زوجه است؛
۴. بدیهی است، در صورتی که زوج از پرداخت این هزینه‌ها اعسار یابد و پرداخت هزینه‌ها برای وی مقدور نباشد و در نتیجه، زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، می‌تواند از دادگاه، برابر مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ ق.م. تقاضای طلاق کند؛
۵. در تعیین میزان نفقه و توسعه آن به تأمین هزینه‌های دارو و درمان، به‌ویژه در بیماری‌های صعب‌العلاج با هزینه‌های بالا، باید به وضعیت مالی مرد نیز توجه شود.

منابع

- [۱] ابن براج، سعدالدین ابوالقاسم (۱۴۰۶). *المهذب*، به تحقیق مؤسسه سید الشهداء العلمیه باشراف جعفر السبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- [۲] ابن قدامه، ابومحمد عبدالله بن احمد بن قدامة (۱۴۰۴). *المعنی*، بیروت: نشر مؤسسه الدار الفکر.
- [۳] امامی، سید حسن (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*، ج ۵، چ ۶، تهران، کتابخانه اسلامی.
- [۴] جبعی العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۰۸). *الروضه البهیه فی الشرح للمعه الدمشقیه*، چ ۳، بیروت: مؤسسه العلوم الاسلامیه.
- [۵] _____ (۱۴۱۰). *الروضه البهیه فی شرح للمعه الدمشقیه*، قم: نشر داودی.
- [۶] _____ (۱۴۱۶). *مسالك الافهام الی تنقیح الشرایع الاسلام*، بی‌جا، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- [۷] جبعی عاملی، شیخ حر (۱۹۹۸). *وسائل الشیعه الی تنقیح المسائل الشریعه*، نشر دارالاضواء المرئضویه ج ۲۱، چ ۲، بیروت.
- [۸] جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *حقوق خانواده*، چ ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- [۹] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *تقریرات تفسیر سوره نساء*، قم: مؤسسه علوم و حیانیه اسراء.
- [۱۰] حلی، (علامه حلی)، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تحریر الاحکام*، بی‌جا، مؤسسه آل‌البتیت، چاپ سنگی.

- [۱۱] حلی، (محقق حلی)، جعفر بن الحسن (۱۴۰۳). *شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام*، ج ۲، بيروت: دارالاضواء الآثار المرئويه.
- [۱۲] روشن، محمد (۱۳۹۱). *تقريرات درس حقوق خانواده*، تهران: دانشکده معارف اسلامي و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، دوره کارشناسي.
- [۱۳] شايگان، سيدعلي (۱۳۷۵). *حقوق مدني*، ج ۱، قزوین: طه.
- [۱۴] شبيري، حسن (۱۳۸۲). *بررسی نفقه زوجه در فقه و حقوق ايران*، ج ۲، قم: مؤسسه علمي فرهنگي علوم اسلامي.
- [۱۵] صفایي، سيد حسين؛ امامي، اسدالله (۱۳۷۴). *مختصر حقوق خانواده*، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۶] طباطبایي حکيم، سيد محسن (۱۴۱۰). *منهاج الصالحين*، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- [۱۷] طباطبایي، سيد محمدحسين (۱۴۱۷). *الميزان في التفسير القرآن*، بيروت: مؤسسه الاعلمي.
- [۱۸] طوسي، محمد بن الحسن (شيخ الطائفة) (۱۳۸۷). *المبسوط في الفقه الاماميه*، ج ۳، تهران، المكتبة الرضويه الحياء الآثار الجعفريه.
- [۱۹] _____ (۱۴۰۳). *التبيان في التفسير القرآن*، ج ۲، بيروت: دارالاحياء التراث العربي.
- [۲۰] _____ (۱۴۰۷). *الخلافة*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- [۲۱] *القانون الاحوال الشخصية المص*، اصلاح (۱۹۸۸). قاهره.
- [۲۲] قمی، ميرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن (ميرزای قمی) (۱۴۰۴). *جامع الشتات في اجوبه السؤالات*، ج ۴، قم: مؤسسه العلوم الاسلاميه.
- [۲۳] کاتوزبان، ناصر (۱۳۷۸). *دوره مقدماتي حقوق مدني، حقوق خانواده*، ج ۵، تهران: بهمن برنا.
- [۲۴] محقق داماد، سيد مصطفي (۱۳۶۵). *تحليل فقهي حقوقي خانواده، نکاح و انحلال آن*، بی جا: علوم اسلامي
- [۲۵] مرواريد، شيخ علي اصغر (۱۴۱۰). *سلسله الينابيع الفقهيه*، ج ۱۸، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه.
- [۲۶] _____ (۱۴۱۰). *سلسله الينابيع الفقهيه*، ج ۳۸، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه.
- [۲۷] مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*، ج ۲، تهران: صدرا.
- [۲۸] مغنیه، محمدجواد (۱۹۶۰). *الزواج و الطلاق على المذاهب الخمسه*، بيروت: دارالعلم الملايين.
- [۲۹] موسوی خميني، سيد روح الله (۱۴۰۳). *تحرير الوسيله*، ج ۴، قم: مكتبه الاعتماد.
- [۳۰] _____ (۱۴۲۵). *تحرير الوسيله*، ترجمه على اسلامي، ج ۲۱، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۱] _____ (بی تا). *تحرير الوسيله*، ج ۱، قم: مؤسسه دارالعلم.
- [۳۲] موسوی خميني، سيد مصطفي (۱۴۱۸). *مستند تحرير الوسيله*، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، چاپخانه عروج.
- [۳۳] موسوی خويي، سيد ابوالقاسم (۱۴۰۴). *منهاج الصالحين، الجزء الثاني، المعاملات*، قم: مطبعه المهر.
- [۳۴] مهرپور، حسين (۱۳۷۰). *بررسی ميراث زوجه در حقوق اسلام و ايران*، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- [۳۵] مؤمن سبزواری، مولي محمدباقر بن محمد (بی تا). *کفايه الاحکام*، اصفهان: مدرسه صدر مهدوی.
- [۳۶] نجفی، شيخ محمدحسن (۱۳۶۶). *جواهر الکلام في شرح الشرايع الاسلام*، ج ۲، تهران: مكتبه الاسلاميه.

- [۳۷] ابن تراب، مریم (۱۳۸۷). «مبانی فقهی نفقه و هزینه دارو و درمان»، *ندای صادق*، دانشگاه امام صادق(ع)، ش ۴۸.
- [۳۸] انصاری پور، محمدعلی؛ صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۷). «نوع طلاق مبتنی بر عسر و حرج»، *نامه مفید*، ش ۶۷.
- [۳۹] روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی (۱۳۸۸). «طلاق قضایی و ماهیت آن»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ش ۱۸.
- [۴۰] صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳). *باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام*، مدرس علوم انسانی.
- [۴۱] _____ (۱۳۹۱). «تحول در حقوق ارث زن اموال غیر منقول شوهر»، *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، ش ۲.
- [۴۲] صادقی مقدم، محمدحسن؛ انصاری پور، محمدعلی (۱۳۸۴). «طلاق حرجی و نقد آرای محاکم در این زمینه»، *نامه مفید*، ش ۵۲.
- [۴۳] _____ (۱۳۸۷). «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه»، *مدرس علوم انسانی*، ش ۴۱.
- [۴۴] صادقی مقدم، محمدحسن؛ عزیزاللهی، محمد مهدی (۱۳۹۱). «سهم‌الارث زوجه منحصر در قانون مدنی»، *مجله حقوق دانشگاه تهران*، ش ۲۶.
- [۴۵] صمدی اهری، محمدهاشم (۱۳۸۷). «تحلیل حقوقی نفقه زوجه دائم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی»، *مجله تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۴.
- [۴۶] کاظم پور فرد، فاطمه؛ جمشیدی شه‌میری، مهسا (۱۳۹۰). «واکاوی فقهی در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی، فقه و حقوق خانواده»، س ۱۶.
- [۴۷] مشکوه، سید حمید (۱۳۸۳). «نفقه زن»، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، س ۱۱.
- [۴۸] ملاابراهیمی، عماد؛ مولایی، مرتضی (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵). «نفقه زوجه ۲»، *مجله ادیان و عرفان*، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، دوره جدید، س اول، ش ۳.